

سبقت‌گویی

# اُستادانه

همانند یک اُستاد یاد بگیرید!

خلاصه اندیشه اسلامی ۱ ویراست دوم تألیف سبحانی

فهرست مطالب

۲	بخش یکم: انسان و ایمان
۲	فصل اول: چیستی انسان
۶	فصل دوم: ایمان
۹	بخش دوم: وجود خدا
۹	فصل اول: برهان فطرت وجود خدا
۱۱	فصل دوم: برهان علّی
۱۲	فصل سوم: برهان نظم
۱۴	بخش سوم: صفات خدا
۱۴	فصل اول: امکان شناخت صفات خدا
۱۵	فصل دوم: راهای شناخت صفات خدا
۲۲	بخش چهارم: مسئله شر
۲۵	بخش پنجم: توحید و شرک
۳۵	بخش ششم: معاد

## فصل اول: چیستی انسان

### الف) خودشناسی

قبل اینکه تلاش کنیم جهان اطراف بشناسیم بهتر است به شناخت خود بپردازیم و تلاش کنیم فطرت خود را به کمال برسانیم. اگر به فطرت خود توجه نکرد و فقط امیال شهوانی توجه شود و نیاز مادی را بالا ببرد گرفتار خسران شده و به مرتبه حیوانیت میرسد.

انسان برای توجه به جهان معنوی باید خود را بشناسد جهات مختلفی دارد مثل جا معه شناسی، زیست شناسی، بیوشیمی، اخلاق و... اما منظور از شناخت این است که انسان دارای استعدادی برای شناخت خود و جهان است اینگونه خود را به کمال میرساند

در قران آمده. انسان باید بنگرد از چه افرید شده و ببیند ک چیزی نبوده ما او را افریدیم پس ای ایمان اورندگان به خود بپردازید. امام علی (ع) دستیابی به خود شناسی دستیابی به بزرگترین سعادت و کمال است کسانی مثل سقراط و نوبل و فیلسوفان دیگر توجه به خود شناسی داشته اند دلایل ضرورت خود شناسی:

۱- **مقدمه کمال انسانی**، اگر خود را بشناسیم بهتر از سرمایه وجودی خود استفاده میکنیم زیرا نقطه آغاز همان شناخت سرمایه های وجودی است. آیا انسان با حیوان متفاوت است؟ آیا به علاوه جسم از حقیقت روح برخوردار است؟

۲- **پیش درآمد جهان شناسی**. شناخت جهان در اثر تعامل انسان با جهان ایجاد میشود انسان اول باید خود و شخصیت خود را بشناسد تا بتواند به شناخت اطراف دست یابد. امام علی (ع). کسی که خود را نمیشناسد غیر خود را در نمی یابد و کسی که خود را بشناسد دیگری را بهتر میشناسد. ۳- مدمه خدانشناسی: هرکس خود را بشناسد خدای خود را بهتر می شناسد.

جهت مختلف خود شناسی که لازمه خدا شناسی است. الف. چون فطرت ادم بامعرفت خدا عجین است پس خود شناسی دعوت به خدا شناسی است امام علی (ع) خدایا قلب را با محبت خود و عقل را با معرفت خود سرشته ای. ب. وجود انسان وابسته است. و خود افریننده خود نیست. قران مجید. شما به خدا نیاز مند و خدا بی نیاز است. ج. ساختار انسان گواه ناظم حکیمی است قران می فرماید. در زمین و در خود شما نشانه هایی هست ای نمیبینید؟

۴- **حلال مشکلات انسان** " بسیاری از مشکلات انسان ناشی از این است که انسان حقیقت وجودی خود را نمیداند و اگر نقش خوشی ها و بدی ها را در زندگی بداند بسیاری از مشکلات حل میشود اگر انسان خود را بشناسد گرفتار مکاتب امروز نمیگردد و در پرتو عقل به آرامش میرسد و زندگی را محدود به دنیا نمی بیند.



## حقیقت انسان

دو دیدگاه مطرح است

۱- مادی: کسانی که هستی و انسان را باماده برابر میدانند معتقدند باحس و تجربه انسان را میتوان شناخت و انسان با مردن و متلاشی شدن جسم تمام می شود.

۲- الهی: برای انسان دو بعد مادی و غیرمادی در نظر میگیرند و برای شناخت و اداره ی انسان علاوه بر حس تجربه از شهود هم کمک میگیرند و اعتقاد دارند که انسان با مردن تمام شده و جهانی دیگر را می بیند.

## روح حقیقت انسان

در قران آیاتی برای بیان دو ساحتی بودن انسان بیان شده:

خدا اندام انسان را موزون آفرید از روح خود در او دمید. تسویه در آیات بمعنی اعتدال در جسم انسان است و خدا پس از خلق ظاهر از روح خود در انسان دمید و بعلت منزلت برتر به خود انتصاب می دهد که به آن اضافه تشریف گویند. موضوع مهم دیگر اینست که درست است که انسان دو ساحتی ست اما قرآن روح را بهتر می داند که بعد از مرگ هم باقی میماند و از بدن جداست. قرآن در این باره میفرماید خدا روح انسان را به تمامی از وی می ستاند (توفی دادن در آیات به معنی باز ستاندن است) حقیقت انسان فقط روح اوست (یتوفکم) که به طور کامل گرفته می شود. هرگز کسانی که در راه خدا شهید شده اند مرده نیستند بلکه زنده اند و نزد خدا روزی داده شده اند (قرآن کریم).

فیلسوفان بیان می کنند دلیل محکم برای حقیقت وجود انسان روح است برای همین است که جسم را به دو قسمت می توان تقسیم کرد و از هم جدا کرد اما روح اینگونه نیست.

## ابعاد روح و روان انسان

### ۱- بعد ادراکی انسان

نظری: اگر متعلق شناخت اشیا آنگونه که هستند یا خواهند بود.

عملی: شناخت عملی از جهت خوبو بد بودن یا باید ها و نباید ها باشد.

نظری: شناختی که برای انسان حاصل می شود از طریق علم انسان به درختی که در مقابل اوست صورتی در ذهن حاصل میشود (علم حصولی) ولی اگر واسطه ای نباشد و انسان مستقیما به وجود آن آگاه شود (حضوری) است. ائمه به شناخت خدا علم حضوری داشتند. امام علی: من خدایی را که نبینم عبادت نمیکنم. البته نه با چشم سر با چشم قلب. من شیء را نمیبینم مگر آنکه قبل از آن بعد از آن و با آن خدا را ببینم.

### ادراک عملی

شناختی که مربوط به حوزه خوب و بد و باید و نباید است شناخت عملی ست. حکمت عملی یعنی علم به تکالیف و وظایف انسان که با عمل آدمی ارتباط دارد.



## ۲- بعد گرایی انسان.

تمایلاتی که با روح انسان سرشته شده است هر انسانی چه کم و چه زیاد از این گراییش بهرمنداست. عوامل خارجی مهمترین عامل شکل گیری نبوده و فقط در این گراییش هاتاثیر داره

### دو گروه گرایی انسان

۱- گرایی حیوانی، که بین انسان و حیوان مشترک است.

۲- گرایی انسانی، گرایی که در انسان وجود دارد و در حیوان کمتر دیده می شود مثل میل و محبت به خدا که جدایی ناپذیر است که بخاطر آن به انسان موجود دین ورز گویند پس مهر خدا در قلب انسان است. حضرت علی(ع): خداوندا تو قلب ها را به محبت خود آفریده ای.

### دیدگاه متفکران مغرب زمین

از گذشته انسان با نیایش مانوس بوده است، اسمازت دین پژوه معاصر میگوید در سراسر تاریخ در کهن ترین فرهنگ ها ی بشر دین مشخصه ی اصلی و فراگیر حیات بشری ست و برای فهم حیات بشر دین ضروری ست. انسان و بحران های فرارو

زندگی انسان معاصر با گذشته متفاوت است و بحران هایی در آن موجود بوده که اکثر آن از عدم خودشناسی ست چند نمونه از بحران ها عبارت اند از: الف- بحران معرفتی، بعضی ابزار شناخت را حس و تجربه می داند و بقیه ابزار را انگار می کند آنان هر حادثه مادی را بر اساس حادثه مادی قبل تعیین میکنند و افرادی مادی گرا بوده که دیدگاه مادی گرایی را ایجاد کرده اند. بعضی به ابزار عقل توجه کرده اند و از ابزار دیگر حساب ندارند که عقل گرایان هستند. بنابر این انسان برای زندگی درست و شناخت همه چیز و تصمیم گیری درباره عواملی که از همه ابزار ها استفاده می کند باید از عقل و حس و تجربه و شهود عرفانی به یک اندازه استفاده می کند.

وقتی انسان به خود می نگرد برای شناخت عالم ماده به حسب تجربه را برای شناخت رو به شهود و عرفان نیاز دارد اما دانشمندان علوم تجربی حس گرا بوده و به حسب تجربه توجه کرده اند و همه عالم را از دید حسی و تجربی مورد بررسی قرار می دهند.

الف- بحران اخلاقی وقتی که جهان از رذایل اخلاقی مانند همجنس گرایی و شهوت رانی و غیره دور نیست انسان و مبارزه با نفس اماره بی معناست و رذایل اخلاقی توجیه اخلاقی پیدا می کنند ریشه بحران های اخلاقی غفلت از مباحث غیر مادی و نادیده گرفتن بعد روحی و جهان دیگر است که در صورت اینکه بعد مادی فقط ارزشمند شود و به زندگی پس از مرگ اعتقادی نشان داده نشود این بحران رخ می دهد. پیامبر فرمودند: من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به اوج برسانم.

ب- بحران روانی و معنوی پیشرفت های علوم تجربی نتوانست مشکلات روحی مثل افسردگی و غیره را حل کند در صورت در صورتی که در پرتو جهان مادی ارتباط بالایی با اطراف دارد اما باز هم احساس تنهایی می کند این علت آن است که حقیقت وجود خود را نادیده گرفته منبع آرامش خود را درک نکرده غافل از آن که منبع آرامش و تعالی او خداوند است.



## نقش دین در وضع بحران انسانی

عصر حاضر عصر برگشت به دین است که حتی کشورهای توسعه یافته و غربی هم به سمت دین برگشته اند و مادی نگری (پازیتیویستی و امپریسم) و مکتب های مارکسیسم شکست خورده اند.

دین و بحران معرفتی : دین راه های شناخت را عقل و شهود عرفانی و روحی نامیده و آدمی با عقل ضرورت وحی را در می یابد و حقیقت زندگی خود را که روح اوست می شناسد و انسان با عقل و وحی است که به سعادت دنیا و آخرت رسیده و حقیقت وجود را درک کرده است زیرا دین انسان را به یک حوزه شناخت محدود نمی کند واز همه ابزارها برای شناخت دنیا و آخرت استفاده می کند.

دین و بحران اخلاقی دین پشتوانه اخلاق بوده و خدا راهنمای بشر است برای بندگان راستین عمل به دستورات الهی در گرو عشق به خداست و به دستورات خدا و پیامبران عمل می کنند. امروزه مکاتبی هستند که پشتوانه غیر از خدا برای اخلاق فراهم می کند

دین و بحران روانی: دین پشتوانه ای برای بحران های روحی و روانی است و در صورتی که انسان بی هدف بوده و به خدا و دستورش عمل نکند دچار این اختلالات شده و زمانیکه آخرت را محل آرامش و هدف خود می داند دیگر در برابر سختی ها واکنش نشان نمی دهد و دنیا محل آرامش و زندگی هدفمند او می شود و سرزنش هائری ندارد و زندگی سخت می شود اگر از خدا دور شود. در قرآن میفرماید با یاد خداست که دل آرام می گیرد پس انسان به دین نیاز دارد و همین زمان است که برای حل مشکلات به سمت دین و خدا پرستی می رود و خداوند در هر زمان پیامبری را می فرستد برای هدایت بشر.



## فصل دوم: ایمان

انسان آرزوی خوشبختی دارد، ایمان راه رسیدن آن است و موجب موفقیت و شادی انسان می شود و ایمان انسان را از تاریکی جدا میکند به همین دلیل روان شناسان نقش ایمان دینی را در بهداشت روانی بالا می دانند ایمان حالتی معنوی است که در روح انسان جای می گیرد. شناخت ایمان و تعریف آن لغوی نیست بلکه با ابزار آن و تجربه آن می توان آن را شناخت امام رضا (ع): ایمان تصدیق قلبی و اقرار زبانی و عمل به ارکان و اعضا است پس ایمان یعنی اعتقاد و تصدیق قلبی به چیزی یا کسی که در لغت هم به معنای امنیت یافتن یا جای گیر شدن در قلب و روح است. در اصطلاح اعتقاد و تصدیق قلبی به خدا و روز قیامت است.

### ایمان و معرفت:

ایمان مبنی بر معرفت و علم است ولی ایمان بر مبنای علم نیست ولی مبنی بر آن است زیرا ایمان به آنچه نمی شناسیم معنا ندارد.

علم هست اما ایمان نیست: ۱- انکار کردن معجزات حضرت موسی توسط قوم بنی اسرائیل ۲- از دست دادن ایمان شیطان نسبت به خدا.

از دید قرآن ایمان مبنی بر معرفت است. در دین اجبار و اکراه نیست و راه درست از انحراف مشخص است پس ایمان بدون شناخت مطرح نیست. در آیه ی «از میان بندگان تنها دانشمندان از او میهراسند» گواه این مطلب است که مشیت الهی از لوازم ایمان است. در اسلام ایمان مبنی بر شناخت است اما در مسیحیت اول ایمان می آورند تا بفهمند که این نشانه تحریف کتاب است که ایمان و عقل را از هم جدا دانسته است.

### ایمان و عقل:

ایمان دینی مبنی بر عقل است. انسان با عقل و دین که خداوند در اختیار او قرار داده به سعادت می رسد. دین عقل را و عقل دین را تایید می کند. بدترین جانوران کسانی اند که تعقل نمی کنند و در آیه ای دیگر؛ ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم شاید تعقل کنید. عقل را حجت پنهان می داند و امام کاظم هم به هشام میفرماید: خداوند بر مردم دو حجت دارد یکی آشکار و دیگری پنهان. یکی رسولان دیگری عقل مردم.

امام صادق (ع): عقل راهنمای مومن است.

پس اسلام اهمیت زیادی به عقلانیت داده است. پیروی دین بوسیله عقلانیت است.

### ایمان و عمل

میان ایمان و عمل ارتباط است. عمل نمونه ظاهری ایمان است. اگر در عمل ایمان را نبینیم این در قلب هم وجود ندارد، عمل از ارکان ایمان شمرده می شود. و عمل صالح با ایمانبا هم درست است برای تاکید بر عمل همراه ایمان قرآن می گوید به بادیه نشینان که گفتند ایمان آورده ایم بگو ایمان نیاورده اید بلکه

